

Scenarios for Importing Gas from Russia within the Framework of Energy Diplomacy

Mohammad Mojtaba Valadabadi

PhD Student, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: valadabady@yahoo.com

Hadi Gholamnia

Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: hadi.gholamnia@gmail.com

Mohammad Amin Hazrati Razlighi

Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: hazrati.mhr@gmail.com

Abstract

In recent decades, energy trade has become a key element of foreign policy for major international players. Countries such as China, India, and the European Union remain heavily reliant on external energy sources. The conflict in Ukraine and rising tensions between Europe and Russia have prompted European nations to decrease their dependence on Moscow, resulting in a significant reduction in Russia's energy exports. In response, Russia has sought new markets for its energy resources. Iran, due to its strategic geographic location, is seen as a potential partner capable of absorbing some of Russia's surplus gas supplies. This analysis examines the prospects of importing Russian gas through political and economic perspectives, emphasizing how such imports could bolster Iran's regional influence. The findings indicate that resuming exports to Europe is unlikely, while large-scale exports to China are also improbable in the medium term because Beijing is hesitant to increase its dependence on Russia. Conversely, exporting gas to Iran appears feasible, especially if Iran re-exports the imported volumes to neighboring countries. This approach could create asymmetric interdependence in Iran's favor, support its goal of becoming a regional energy hub, and improve resilience against sanctions. The study employs scenario planning, a futures studies method, to explore potential future developments. Data sources include primary documents, library resources, and online materials.

Keywords: Energy Diplomacy, Gas Imports, Ukraine War, Interdependence.

Extended Abstract

Purpose

This paper examines the potential for Iran to import Russian natural gas as a means of enhancing its political and economic power at the regional level. Following the Ukraine crisis and the resulting decline in Russian gas exports to Europe, Iran represents a strategically positioned market for absorbing part of Russia's surplus gas. The study investigates how such imports could be utilized to maximize Iran's leverage in regional energy diplomacy while mitigating the risks of dependency, considering historical patterns of energy weaponization by Russia and other global powers.

Design/methodology/approach

The study employs a futures studies approach based on scenario planning. It integrates political, economic, and geopolitical analysis to examine the implications of Russian gas imports for Iran. The research considers three scenarios: (1) imports fail to materialize; (2) limited domestic consumption of imported gas; and (3) large-scale export of imported gas to regional countries. Theoretical insights are drawn from the concept of interdependence and weaponized interdependence, highlighting how asymmetric trade relations generate political leverage. Factors such as alternative Russian markets, price differentials, end-use of imported gas, domestic demand, and environmental and legal constraints are analyzed to determine optimal strategies.

Findings

The analysis identifies that domestic consumption of imported Russian gas could create asymmetric dependence in Russia's favor, undermining Iran's political influence. Conversely, exporting the entirety of imported gas to neighboring states—through countries such as Iraq and Pakistan—could establish asymmetric dependence in Iran's favor, strengthen regional ties, and expand Iran's role within the so-called resistance axis. Strategic recommendations include demand-side optimization, limiting domestic gas-intensive industries, prioritizing exports over low value-added processing, and ensuring robust legal and financial frameworks for contracts. Implementing these measures could position Iran as a regional energy hub and enhance its resilience against sanctions.

Research limitations/implications

The study is scenario-based and relies on qualitative, documentary, and strategic analysis. Empirical verification of Russian export capacity, Iranian domestic infrastructure, and international market responses remains a limitation. Future research could incorporate quantitative modeling, econometric simulations, and stakeholder interviews to

validate the scenarios and explore financial, technical, and environmental feasibility in greater depth.

Practical implications

The paper provides actionable guidance for policymakers in energy diplomacy and national security planning. Recommendations include long-term pipeline contracts, sanctions-resistant financial mechanisms, transit route optimization, pricing strategies, joint pipeline financing, and regulatory compliance to ensure economic profitability and political leverage.

Social implications

Export-oriented strategies for imported gas could generate foreign exchange revenues, enhance regional cooperation, and reduce domestic energy imbalances, indirectly supporting economic development and energy security. Avoiding domestic overconsumption also mitigates potential environmental and social pressures arising from energy-intensive industries.

Originality/value

This study contributes to the literature by combining energy diplomacy, geopolitical analysis, and futures studies to develop concrete scenarios for gas imports in a sanctions-constrained environment. It offers a novel framework for understanding how energy trade can be transformed into a tool of political leverage and regional influence, specifically in the context of Iran-Russia relations following the Ukraine crisis.



سناریوهای واردات گاز از روسیه در چهارچوب دیپلماسی انرژی

محمد مجتبی ولدآبادی

دانشجوی دکتری، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: valadabady@yahoo.com

هادی غلامنیا

گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: hadi.gholamnia@gmail.com

محمدامین حضرتی رازلیقی

گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: hazrati.mhr@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، تجارت انرژی به ابزاری کلیدی در سیاست خارجی بازیگران عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. قدرت‌های بزرگ از جمله چین، هند، اتحادیه اروپا وابستگی زیادی به تأمین‌کنندگان انرژی دارند. پس از جنگ اوکراین و افزایش منازعات میان اروپا و روسیه، کشورهای اروپایی تلاش کردند تا از وابستگی خود به مسکو بکاهند. این تصمیم موجب کاهش سطح صادرات انرژی روسیه گردیده و این کشور در جستجوی بازارهای جدید است. ایران به‌عنوان یک متحده بالقوه به دلیل وجود موقعیت جغرافیایی، گزینه کاهش بخشی از مازاد گاز روسیه است. در این پژوهش واردات گاز از روسیه از منظر سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چگونه واردات گاز از این کشور می‌تواند به ابزاری برای افزایش قدرت سیاسی-اقتصادی ایران در منطقه شود. با توجه به شرایط فعلی، از سرگیری صادرات گاز روسیه به اروپا نامحتمل است. همچنین، صادرات به چین در میان‌مدت به دلیل نگرانی از وابستگی به روسیه محقق نخواهد شد. از این‌رو، مهم‌ترین گزینه صادرات گاز به ایران است. گاز وارداتی از روسیه می‌بایست صرف صادرات به کشورهای همسایه گردد؛ این امر می‌تواند منجر به ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به نفع ایران در روابط با کشورهای منطقه شود و گامی اساسی جهت تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی خاورمیانه و مصون‌سازی از تحریم‌ها خواهد بود. در این پژوهش از روش آینده‌پژوهی (سناریونویسی) برای پیش‌بینی سناریوهای آینده طراحی شده است. روش گردآوری منابع نیز استفاده از منابع دسته اول، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی انرژی، واردات گاز، جنگ اوکراین، وابستگی متقابل.

مقدمه

ایران با ۳۲ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی و ۱۵۸ میلیارد بشکه نفت، به ترتیب در جایگاه دوم و سوم جهانی قرار دارد. همچنین از نظر مجموع ذخایر متعارف، ایران رتبه نخست جهان را دارد (BIEE, 2022) این منابع عظیم نفت و گاز باعث شده است کشور ایران، یکی از کشورهای دارای پتانسیل در عرصه دیپلماسی انرژی به شمار بیاید. از طرفی انرژی نقطه آغاز و بستر توسعه اقتصادی کشورها است. از آنجاکه توسعه برای کشورها تولید قدرت می‌کند، انرژی نیز به‌عنوان ماده اولیه برای توسعه یک رکن قدرت است. بدین ترتیب انرژی کالایی استراتژیک است و تأمین و امنیت آن نقش اساسی در معادلات امنیتی و استراتژیک جهان دارد. این مسائل موجب شده تا مقوله انرژی از حوزه صرفاً اقتصادی خارج شده و وارد حوزه امنیتی و سیاسی در سطح بین‌المللی گردد. بنابراین انرژی در معادلات جهانی نه صرفاً کالایی اقتصادی، بلکه ابزاری سیاسی و حتی کالایی امنیتی به شمار می‌رود (واعظی و منفرد، ۱۳۹۲).

همچنین در طول در قرن بیستم و در تحولاتی نظیر اختلال در جریان انتقال انرژی در بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ و توقف فروش نفت در جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳، این موضوع کاملاً مشهود است. در این دوره جهت مواجهه با اختلالات سیاسی و امنیتی بازار نفت، سازمان‌هایی مانند اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی به ترتیب توسط واردکنندگان و صادرکنندگان نفت شکل گرفت. اساساً ادبیات «دیپلماسی انرژی» و «امنیت انرژی» در نتیجه این بحران‌ها توسعه یافت. معیار نفتی همچنان یک نگرانی امنیتی جهانی است زیرا ۴۰ درصد کل ترانزیت نفت از طریق چهار مجرای تنگه هرمز، مالاکا، باب المندب و کانال سوئز انجام می‌شود (Bovan et al., 2020; LaBelle, 2023).

دولت‌ها نیز با توجه به استراتژیک بودن تجارت انرژی، آن را در امتداد سیاست خارجی خود تعریف نموده و عمدتاً متولی این حوزه نیز دستگاه‌های امنیتی و سیاسی می‌باشند. به‌عنوان مثال در وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در دوره هیلاری کلینتون، یک دفتر منابع انرژی با ده‌ها دیپلمات مختص این موضوعات تشکیل گردید. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران نیز می‌بایست موضوع دیپلماسی انرژی را در نسبتی با سیاست خارجی و امنیت ملی پیگیری نماید. مسئله‌ای که در حال حاضر نیاز به کوشش در ادبیات نظری و ارائه رویکردی راهبردی در درک موضوع دیپلماسی انرژی دارد.

افزون بر این، با توجه به نسبت مستقیم دیپلماسی انرژی با تحولات نظام بین‌الملل توان بهره‌گیری از ابزار انرژی در دوره‌های مختلف متفاوت بوده و گاهی در این تحولات

فرصت‌هایی ظهور و بروز خواهند یافت. درک دقیق این فرصت‌ها و استفاده از آنان از مهم‌ترین وظایف پژوهشگران حوزه دیپلماسی انرژی و دیپلمات‌های این حوزه است. یکی از این فرصت‌ها بحران اوکراین است. روسیه دومین صادرکننده بزرگ گاز در جهان است. در طول چندین دهه مهم‌ترین بازار صادراتی این کشور اروپا بوده است. اما با تحولاتی نظیر بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ و پس از آن بحران اوکراین، این کشور با چالش در بازارهای صادراتی و مازاد تولید گاز مواجه شده است. روسیه بخشی از این خلأ را با صادرات گاز به چین پر کرد؛ اما برای بخش قابل توجهی از این مازاد تولید نیز تاکنون مقصدی برای صادرات نیافته است. در ماه‌های اخیر و در مذاکرات بین دو کشور ایران و روسیه صادرات گاز به ایران طرح شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که در چه صورت واردات گاز از روسیه می‌تواند منجر به افزایش مزیت‌های ژئوپلیتیک کشور و افزایش اثرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و در چه صورت موجب کاهش این مزیت‌ها و اثرگذاری‌ها خواهد گردید.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع «دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران» و «تأثیر جنگ اوکراین بر روابط خارجی ایران» مقالات مختلفی به تحریر درآمده‌اند که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد. الهه کولایی و سمیه زنگنه در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر جنگ اوکراین بر روابط ایران و روسیه» به بررسی پیامدهای این جنگ بر روابط دو کشور پرداخته‌اند و با این پیش‌فرض مواجهه ایران با جنگ اوکراین احتیاط‌آمیز بوده است، استدلال کرده‌اند که تهران جنگ اوکراین را عاملی برای بهبود و توسعه روابط با مسکو یافته است اما سرشت این روابط به‌طور اساسی تغییر نمی‌کند (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۳).

سیدحسن میرفخرایی در مقاله خود با عنوان: «پیامدهای جنگ اوکراین بر موقعیت ژئواکونومیک میان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» تأثیر جنگ اوکراین بر موقعیت ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی و ترانزیت بررسی کرده است و این‌گونه جمع‌بندی نموده است که این جنگ می‌تواند در حوزه کریدورهای ترانزیتی ظرفیت‌های جایگزین برای صادرات نفت و ظرفیت‌های بالقوه گازی را فعال نماید که منجر به تقویت موقعیت ژئواکونومیک ایران می‌شود (میرفخرایی، ۱۴۰۲).

سیدجواد صالحی و کریم عیاسی در مقاله‌ای با عنوان: «دیپلماسی انرژی ایران، روسیه و قطر (با نگاه موردی به گاز)» به بررسی این سه کشور از نظر ژئوپلیتیک انرژی پرداخته است زیرا ۵۵ درصد ذخایر گاز جهان در این سه کشور قرار دارد. بر این اساس

به دلیل سرمایه‌گذاری گسترده قطر در صنعت گاز، این کشور به جایگاه نخست منطقه تبدیل شده و ایران و روسیه با نقش‌آفرینی در زمینه صادرات گاز طبیعی از طریق خطوط لوله تلاش دارند با صادرات گاز به کشورهای مختلف برای خود تولید قدرت کنند (صالحی و عباسی، ۱۳۹۲).

داود کریمی‌پور در مقاله‌ای با عنوان: «رهیافت منطقه‌ای دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم» به بررسی منطقه‌گرایی در دولت‌های مختلف در ایران و جستجوی الگویی از منطقه‌گرایی در راستای فعال‌سازی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. این پژوهش الگوی سیاست همسایگی دولت سیزدهم را هم‌سو با دیپلماسی انرژی دانسته زیرا با فعال‌سازی ظرفیت‌های همسایگی، کارکرد ضدتحریمی را به همراه آورده است (کریمی‌پور، ۱۴۰۱).

طبق بررسی‌های صورت گرفته، برخی پژوهش‌ها به اصل وجود فرصت توسعه روابط با روسیه در جنگ اوکراین پرداخته‌اند و یا رویکردهایی کلی را در خصوص دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران بیان کرده‌اند؛ باین‌حال هیچ پژوهشی به‌صورت خاص موضوع واردات گاز روسیه و تبعات آن بر قدرت سیاسی-اقتصادی ایران در منطقه را مورد بررسی قرار نداده است. در مقابل، این پژوهش ضمن بررسی رویکرد صحیح در حوزه دیپلماسی انرژی برای بهره‌گیری از فرصت جنگ اوکراین، مسئله‌ای مشخص را به‌عنوان یکی از مسائل حکمرانی کشور در این برهه، مطابق نظریات روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داده است. در نهایت این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی آینده‌پژوهی، مزایا و تبعات تصمیمات مختلف را به شکل عینی برای سیاست‌گذاران روشن می‌کند.

۲. چهارچوب نظری

همان‌گونه که بیان شد در موضوع تجارت انرژی جنبه‌های اقتصادی و سیاسی در هم تنیده شده‌اند که نشان‌دهنده تقاضا برای دیدگاه‌های ترکیبی از اقتصاد و علوم سیاسی است. از این‌رو سوزان استرنج بیان می‌دارد: «آنچه لازم است چهارچوبی تحلیلی برای تحلیل تأثیر دولت‌ها بر بازارهای انرژی و تأثیر این بازارها بر توسعه اقتصادی و امنیت ملی دولت‌ها است» (Harsem & Claes, 2013). در بررسی نسبت میان مبادلات اقتصادی میان کشورها (به‌ویژه در حوزه انرژی) و قدرت سیاسی تاکنون نظریات مختلفی ارائه شده است به‌طور اجمال مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

هیرشمن در سال ۱۹۴۵، به عوامل متعددی اشاره کرده است که یک دولت را قادر می‌سازد تا با موفقیت از قدرت اقتصادی خود علیه دیگران استفاده کند. اول، برای دولت‌ها مغتنم است که اقتصاد بزرگ‌تری نسبت به دولت دیگر داشته باشند. این امر به آنان امکان می‌دهد تا بهتر از تکانه‌های اقتصادی جان سالم به در برند. به‌عنوان مثال، روسیه نسبت به همسایگان خود در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی برتری دارد. دوم، اگر دولت‌ها نسبت کمی از تجارت خود را به یک دولت اختصاص دهند درحالی‌که آن دولت نسبت قابل‌توجهی از تجارت خود را اختصاص داده باشد توان اعمال نفوذ سیاسی پیدا خواهند کرد. به‌عنوان مثال، پس از جنگ جهانی دوم آلمان تنها حدود ۲ درصد از تجارت خود را به لهستان اختصاص داده است؛ درحالی‌که تجارت با آلمان ۳۰ تا ۴۰ درصد از حجم تجارت لهستان را تشکیل می‌داد. بدیهی است که آلمان می‌توانست با هزینه کم به‌وسیله تحریم تجاری اثرات دردناکی را بر لهستان تحمیل کند (Newnham, 2011).

باین حال پس از جنگ جهانی دوم مبادلات اقتصادی از دریچه ایجاد صلح و نه اعمال نفوذ سیاسی مورد توجه نظریه‌پردازان با طرح نظریه «وابستگی متقابل» قرار گرفت. ارتقای وابستگی متقابل اقتصادی به‌عنوان یک ابزار سیاستی مطلوب برای بهبود روابط سیاسی با دشمنان طرح شد. تعامل اقتصادی نقش مهمی در سیاست‌های «آست پولیتیک»^۱ آلمان در قبال اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق در طول جنگ سرد ایفا کرد. یکی از دلایل توسعه تجارت انرژی اروپای غربی و بلوک شرق تأثیراتی بود که می‌توانست بر کاهش تنش‌های جنگ سرد داشته باشد. همچنین افزایش وابستگی متقابل اقتصادی بین کشورهای سازمان تجارت جهانی، چین را به اتخاذ سیاست خارجی همکاری‌تر سوق می‌داد.

باین حال، همه نظریه‌پردازان موافق نیستند که وابستگی متقابل اقتصادی تضاد بین دولت‌ها را کاهش می‌دهد. همه بازیگران در طول مذاکرات تجاری از قدرت یکسانی برخوردار نیستند. برخی از قدرت‌ها به‌طور قابل‌توجهی زمینه وابستگی متقابل را شکل می‌دهند. برای مثال، اگر A کمتر از وابستگی B به A وابسته باشد، در بین بازیگران قدرت نامتقارن وجود دارد. قدرت چانه‌زنی قوی‌تر را افزایش می‌دهد. چنین وضعیتی ممکن است منجر به وابستگی به‌جای وابستگی متقابل شود. بنابراین محققان سنت واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، نابرابری‌های قدرت را که در اثر وابستگی متقابل به

۱. Ostpolitik: عادی‌سازی روابط بین جمهوری فدرال آلمان (آلمان غربی) و اروپای شرقی و شوروی که در سال ۱۹۶۹ آغاز شد.

وجود می‌آیند، منبع بالقوه تضاد بین دولت‌های وابسته به هم می‌دانند (Akas & Altiparmak, 2022; Krickovic, 2015).

به همین علت، رابرت کوهن و جوزف نای در کتاب قدرت و وابستگی متقابل (۱۹۷۷) میان وابستگی متقابل متقارن و نامتقارن تفاوت قائل می‌شوند. در وابستگی متقابل متقارن دو طرف به‌طور مساوی به یکدیگر وابسته هستند و بنابراین به یک اندازه از قطع رابطه آسیب می‌بینند که اکثراً در میان کشورهای شمال جهانی دیده می‌شود؛ اما در وابستگی متقابل نامتقارن یک کشور به‌طور قابل ملاحظه بیشتر وابسته است و اکثراً در روابط میان کشورهای شمال و جنوب جهانی دیده می‌شود. رابرت کوهن و جوزف نای با استفاده از نظریه وابستگی متقابل، قدرت را «توانایی بازیگران برای مجبور کردن دیگران به انجام یک کار به نحوی که هزینه اجبار قابل قبول باشد» معنا می‌کنند. بنابراین قدرت ناشی از وابستگی متقابل نامتقارن است به این صورت که به شریک کمتر وابسته نوعی اهرم سیاسی نسبت به شریک وابسته‌تر می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴).

بدین ترتیب در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برای بار دیگر توجه به مبادلات اقتصادی به‌عنوان نوعی ابزار و اهرم سیاسی در مطالعات پررنگ شد. با این حال کوهن و نای نگاهی خوش‌بینانه مثبتی نسبت به وابستگی غیرمتقارن و اثر آن بر کشورهای کوچک داشته و معتقد بودند که این‌گونه روابط موجب افزایش فرصت چانه‌زنی می‌شود و به این کشورها اجازه می‌دهد به اهداف خود در منازعه‌های کشورهای بزرگ‌تر نزدیک شوند (شیرخانی، ۱۴۰۲). در ادامه نگاه‌ها به وابستگی متقابل نامتقارن حتی منفی‌تر گردید. از این‌رو مفهوم «وابستگی متقابل تسلیحاتی شده» و استفاده از وابستگی متقابل به‌عنوان سلاح برای بار توسط هنری فارل و آبراهام نیومن در سال ۲۰۱۹ مطرح شد. این نظریه توضیح می‌دهد که چطور دولت‌ها علی‌الخصوص قدرت‌های بزرگ از نظام اقتصاد جهانی جهت دستیابی به اهداف راهبردی خود استفاده می‌نمایند. از نگاه این نظریه، شبکه‌های اقتصاد جهانی حاوی تبعات امنیتی هستند؛ زیرا موجب افزایش وابستگی متقابل میان کشورهایی که قبلاً نسبتاً خودمختار بودند خواهند شد (Farrell & Newman, 2019).

دیگر نظریه‌پردازان نیز پیش و پس از تولید مفهوم وابستگی متقابل تسلیحاتی شده به استفاده ابزاری از این وابستگی توسط قدرت‌های بزرگ اشاره کرده‌اند. به‌عنوان

مثال «نیونهام»^۱ در مقاله خود با عنوان: «نفت، چماق و هویج» در سال ۲۰۱۱ رفتار روسیه و ابزارهای او به عنوان یک قدرت جهانی را مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس این مطالعه یکی از اجزای اصلی قدرت روسیه، توانایی آن در استفاده از ذخایر نفت و گاز خود به عنوان ابزار سیاست خارجی است. نیونهام نمونه‌های استفاده از ابزار انرژی توسط روسیه جهت اعمال قدرت را در دو دسته‌بندی «پترو هویج»^۲ (استفاده از نفت و گاز برای پاداش دادن به متحدان) و «پترو چماق»^۳ (استفاده از منابع برای تنبیه دولت‌هایی است که از کرملین سرپیچی می‌کنند) صورت‌بندی می‌نماید. کشورهایمانند گرجستان، اوکراین و کشورهای بالتیک پس از روی آوردن دولت‌هایشان به سمت غرب با وقفه در عرضه و قیمت‌های بالاتر انرژی مجازات شدند و برعکس، کشورهایمانند کرملین باقی ماندند، مانند ارمنستان، بلاروس، اوکراین قبل از سال ۲۰۰۵ و کشورهای کوچک آبخازیا، اوستیای شمالی، نفت و گاز فراوان با قیمت یارانه‌ای دریافت کردند (Newnham, 2011).

همچنین «مرکز سیاست جهانی انرژی» در دانشگاه کلمبیا در گزارشی در سال ۲۰۱۸ نقش انرژی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را تشریح می‌نماید. در واقع استخراج مقادیر انبوه نفت و گاز غیرمعارف (شیل)، این کشور را از یک ابرقدرت سیاسی و اقتصادی که نسبت به مصرف انرژی موضع نسبتاً ضعیفی داشت، به یک ابرقدرت انرژی (صادرکننده بزرگ جهانی) تبدیل کرد و مسائل ایالات متحده به سرعت از کمبود و وابستگی فزاینده وارداتی در انرژی به فراوانی و صادرات انرژی تغییر یافت. در اکتبر ۲۰۱۲، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، بیان داشت: «انرژی می‌تواند برای حل مناقشات ارضی و دریایی، ترویج رقابت در اروپا و بازگرداندن عراق به کار گرفته شود.» همچنین وی یک دفتر منابع انرژی با ده‌ها دیپلمات مختص این موضوعات ایجاد کرد. دانشمندان و کارشناسان مختلف انرژی پیشنهاد کردند که ایالات متحده می‌تواند از مزایای ژئوپلیتیک افزایش تولید گاز طبیعی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در قالب «کمک به متحدان» و «مجازات دشمنان» استفاده نماید. این موضوع عملاً در جایگزینی گاز روسیه در اروپا پس از بحران اوکراین محقق شد؛ صادرات ال. ان جی ایالات متحده به اروپا کمک کرد تا شوک اقتصادی

۱. استاد دانشگاه ایالتی پن در آمریکا

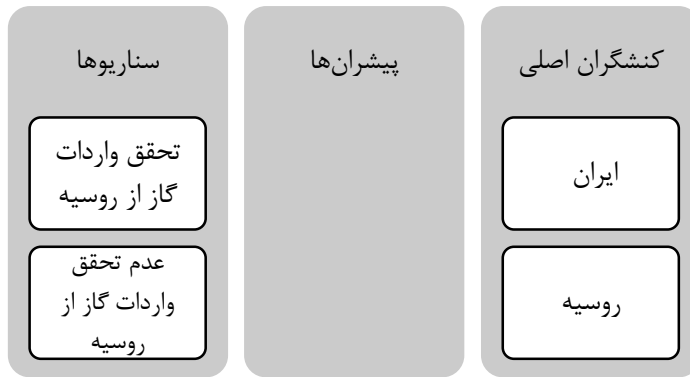
2. Petro-carrots
3. Petro-sticks

ناشی از توقف خرید گاز از روسیه را مدیریت کند و از اوکراین حمایت نماید (CSIS, 2024; GlobalEnergyPolicy, 2024b).

در این پژوهش تجارت انرژی میان ایران و روسیه به‌عنوان یکی از مصادیق نظریه وابستگی متقابل بررسی می‌گردد تا مشخص گردد که این تجارت چه اثرات ژئوپلیتیکی بر جای می‌گذارد. این اثرات از منظر روابط دوجانبه با روسیه، جایگاه ایران در منطقه قابل بررسی است. آنچه در مورد این تجارت دوجانبه می‌بایست بررسی گردد این است که آیا واردات گاز از روسیه وابستگی متقابل متقارن میان دو کشور ایجاد می‌نماید و یا موجب وابستگی متقابل یک‌سویه خواهد شد.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریونویسی انجام شده است. در این راستا، منابع اولیه کتابخانه‌ای و اینترنتی از جمله اتاق فکرها، اندیشکده‌های بین‌المللی، گزارش‌های شرکت‌های بزرگ انرژی و تحلیل‌های نهادهای بین‌المللی انرژی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین در مواردی نیز با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه، یافته‌ها تکمیل و تأیید گردیده است. جهت سناریونویسی در این پژوهش چند گام طی شده است. ابتدا کنشگران (ایران و روسیه) و منافع و ترجیحات آنان شناسایی شده است سپس نیروهای اصلی تغییر (پیشران‌ها) که توان ایجاد تحولات اساسی در حوزه را دارند تعیین گردید. در ادامه پژوهش به پیشران‌های کلیدی‌تر (به لحاظ قدرت اثرگذاری بر مسئله) اولویت‌بندی شده و از صفر تا سه ستاره امتیازدهی می‌شوند. سپس عدم قطعیت یا پیش‌بینی ناپذیری هر پیشران شناسایی می‌شوند. اگر وضعیت یک پیشران پیش‌بینی پذیری خوبی داشته باشد، چنین پیشرانی دارای عدم قطعیت پایین است. بدین ترتیب تمام پیشران‌ها از نظر عدم قطعیت هم رتبه‌بندی می‌شوند. پیشرانی که کاملاً پیش‌بینی‌پذیر باشد امتیاز صفر و پیشرانی که یک وضعیت معین ندارد امتیاز سه دریافت می‌کند. شناسایی پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های اصلی باید همراه با بررسی معادلات ژئوپلیتیک انرژی در روابط میان روسیه، اروپا، چین و ایران انجام گیرد. این تحلیل در بخش «تحلیل واردات گاز از روسیه» انجام خواهد شد. در نهایت با بهره‌گیری از عدم قطعیت‌های اصلی و کمکی، چهارچوب سناریوها بر اساس دو سناریوی کلی «تحقق واردات گاز از روسیه» و «عدم تحقق واردات گاز از روسیه» طراحی می‌شود (Ismailpour & Arab, 2022).



شکل ۱: مراحل آینده‌پژوهی در مقاله

۴. دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران

ایران با دارا بودن ۳۲ تریلیون مترمکعب گاز و ۱۵۸ میلیارد بشکه نفت اثبات شده به ترتیب در جایگاه دوم و سوم بزرگ‌ترین دارندگان این منابع به شمار می‌رود و در مجموع ذخایر متعارف، در جایگاه نخست جهان قرار دارد. عمر ذخایر گازی ایران با حجم تولید فعلی ۲۴۵ سال است. با این حال، مهم‌ترین مسئله دهه اخیر در حوزه دیپلماسی انرژی ایران مسئله تحریم‌ها بوده است که با توجه به وابستگی بالای بودجه به فروش نفت تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی و سیاسی شده است. پیش از انقلاب و پس از آن، نفت ایران همواره جزئی از بازار جهانی انرژی بوده است. دسترسی بلندمدت ایران به منابع ارزی از طریق صادرات نفت امکان رفع نیازهای خارجی ایران را فراهم می‌آورد. تشدید تنش میان ایران و ایالات متحده، ایده حذف ایران از بازار نفت و جلوگیری از دستیابی به منابع ارزی را تقویت نمود؛ اگرچه این نگرانی وجود داشت که تحریم بر صادرات نفت ایران باعث افزایش قیمت نفت شود. برگین انقلاب شیل را عامل تغییر در ژئوپلیتیک انرژی دانسته و معتقد است از آن زمان توانمندی آمریکا جهت پیگیری اهداف سیاست خارجی افزایش یافت. توسعه فناوری استحصال نفت شیل موجب تبدیل این کشور به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان شده و به نوعی زمینه‌ساز افزایش امنیت انرژی ایالات متحده شد. به همین دلیل شرایط برای کاهش حضور ایران در بازار جهانی انرژی فراهم و تحریم‌ها مؤثر واقع شد (ترابی‌فرد و رزم‌آهنگ، ۱۴۰۱؛ صادقی، ۲۰۱۵؛ یرگین، ۱۴۰۰).

کاهش شدید فروش نفت ایران، بدون ایجاد آسفتگی در اقتصاد جهانی نشان‌دهنده این واقعیت است که نفت ایران دیگر جایگاه غیرقابل حذف در معادلات جهانی نداشته

و کشور برای بی‌اثر سازی تحریم‌ها، می‌بایست راهبرد دیگری در حوزه انرژی اتخاذ نماید. مطابق نظریه وابستگی متقابل کوهن و نای، تا سال ۲۰۱۲ فروش نفت موجب ایجاد وابستگی نامتقارن برای ایران در روابط با کشور خریدار نفت می‌شد و این امر امکان اثرگذاری سیاسی ایران در فضای بین‌الملل را فراهم می‌نمود؛ اما از زمان استخراج نفت شیل، اهمیت استراتژیک نفت خام کاهش یافت و دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به نحوی دیگر سامان‌دهی شود تا بتواند وابستگی متقابل نامتقارن را در راستای منافع کشور تحقق بخشد.

از همین‌رو، در اسناد بالادستی به بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیک به‌ویژه در حوزه انرژی اشاره شده و در سیاست‌های کلی برنامه هفتم فعال‌سازی مزیت‌های جغرافیایی سیاسی و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز مبادلات انرژی بیان شده است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲ ابعاد مختلف تجارت انرژی بررسی شده است و در بین گزینه‌های دیپلماسی انرژی، تجارت گاز طبیعی را حائز بیشترین امکان ایجاد وابستگی متقابل و در نتیجه تحریم ناپذیری دانسته است. این ویژگی ناشی از ساختار منطقه‌ای بازار گاز است. نفت خام و فرآورده‌های نفتی به دلیل قابلیت بالای جایگزینی توسط کشورهای خریدار، چندان توان ایجاد بازدارندگی در برابر تحریم‌ها را ندارند. تجارت نفت به روش متداول آن، یعنی ارسال محموله‌های بزرگ از طریق دریا، در برابر تحریم‌ها به‌شدت آسیب‌پذیر است؛ اما تجارت گاز طبیعی که عمدتاً از طریق خطوط لوله صورت می‌گیرد، به دلیل پیچیدگی و زمان‌بر بودن فرایند جایگزینی گاز توسط کشورهای خریدار، به‌مراتب کمتر تحریم‌پذیر است. هر کشوری که بخواهد واردات گاز خود را از منبع دیگری تأمین کند، ابتدا باید گاز مازاد موجود باشد. حتی در صورت وجود گاز مازاد، انتقال و حمل‌ونقل آن به محل مصرف، چه از طریق احداث خطوط لوله جدید و چه احداث پایانه‌های ال.ان.جی، هزینه‌بر و زمان‌بر بوده و معمولاً به حدود دو سال زمان نیاز دارد (نوربخش، ۱۴۰۲).

به دلیل ساختار بازار گاز، قراردادهای تجارت گاز معمولاً بلندمدت و بیش از ۲۰ سال بوده و دارای شرط حداقل حجم واردات برای کشور واردکننده هستند. این قراردادهای باعث ایجاد پیوندهای اقتصادی-سیاسی بلندمدت بین دو کشور شده و امکان گسست آن‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین، مصارف گاز معمولاً حساسیت بالایی دارند، از جمله تأمین گرمایش خانگی در زمستان، تأمین برق در تابستان و تأمین سوخت واحدهای صنعتی که زیرساخت‌های اقتصاد کشورها را تشکیل می‌دهند. بنابراین، به

خطر افتادن تأمین پایدار گاز منجر به افزایش ریسک برای خریدار شده و در نتیجه احتمال عدم تبعیت آن کشور از تحریم‌ها را افزایش می‌دهد. یکی از شواهد این امر، عدم تحریم صادرات گاز ایران (به عراق و ترکیه) در دو دور تحریم‌های اخیر آمریکا است. در این راستا این گزارش پیشنهاد می‌کند که برای تبدیل شدن به مرکز مبادلات (هاب) انرژی، کشور گاز مازاد کشورهای منطقه از جمله روسیه و ترکمنستان را خریداری و سپس آن را به همراه بخشی از گاز تولیدی خود به کشورهای متقاضی در منطقه صادر نماید (نوربخش، ۱۴۰۲).

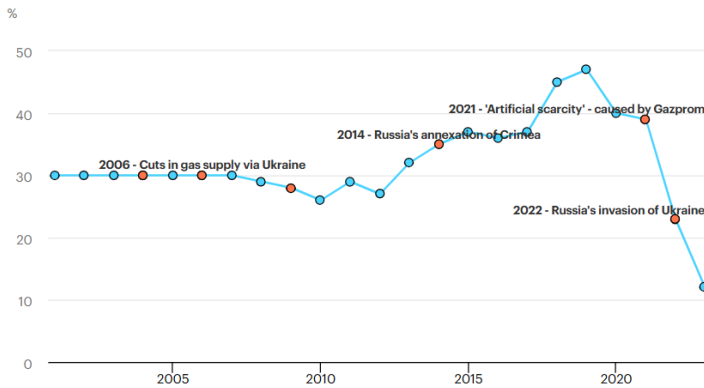
۵. اثرات جنگ اوکراین بر تجارت انرژی روسیه

در سال ۲۰۲۲ روسیه دومین تولیدکننده و صادرکننده گاز طبیعی خشک جهان، سومین تولیدکننده نفت خام و میعانات گازی بود. روسیه چه در دوران شوروی و چه در دوران حاضر، همواره از انرژی به‌عنوان ابزاری راهبردی در کنار منافع اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی استفاده کرده است. این رویه به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین تقویت شده است. پوتین، همان‌طور که در پایان‌نامه دکتری خود نیز اشاره کرده، بر این باور است که روسیه می‌تواند از منابع عظیم انرژی خود برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده کند. او تأکید دارد که دولت روسیه باید بخش انرژی را به‌منظور حمایت از منافع ملی کشور هدایت کند. پوتین معتقد است که اگر هدف روسیه بازپس‌گیری قدرت پیشین خود باشد، تمرکز بر بخش کلیدی انرژی ضروری است. در اسناد راهبردی و استراتژی کلان انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۵ که در سال ۲۰۱۹ تصویب شد، به صراحت آمده است که روسیه باید جایگاه خود را در بازارهای جهانی انرژی حفظ کند (Alekseev et al., 2019).

پیش از جنگ روسیه و اوکراین، تجارت گاز طبیعی نمایانگر وابستگی متقابل بین روسیه و اروپا بود. روسیه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده گاز طبیعی برای اتحادیه اروپا بوده و تقریباً ۴۰ درصد از واردات گاز این اتحادیه را تأمین می‌کرد. این وابستگی با قراردادهای بلندمدت و زیرساخت‌های خط لوله، مانند خطوط لوله نورد استریم ۱ و ۲، شکل گرفته بود که برای انتقال گاز روسیه به اروپا حیاتی بودند. با این حال پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، کشورهای غربی تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال کردند که شامل اقدامات هدفمند در بخش انرژی روسیه می‌شد. در می ۲۰۲۳، کشورهای جی۷ مجدداً سقف قیمتی ۶۰ دلار و ممنوعیت‌های صادرات نفت و فراورده‌های نفتی از روسیه را که قبلاً تعیین شده بود، تأیید کردند. در دسامبر ۲۰۲۳،

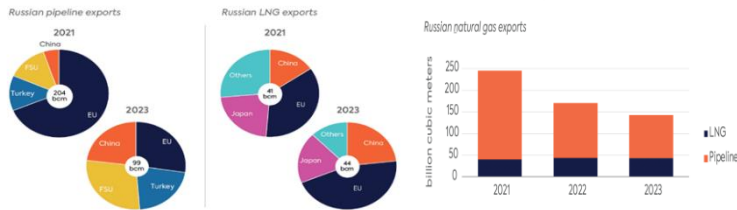
اتحادیه اروپا دوازدهمین بسته از محدودیت‌ها را با هدف جلوگیری از دور زدن سقف قیمت نفت تصویب کرد (EIA, 2024).

به علت اعمال این تحریم‌ها صادرات گاز روسیه به اروپا به‌طور چشمگیری کاهش یافت و به ۸۰ میلیارد مترمکعب در سال (از طریق خط لوله) رسید. بدین ترتیب نه تنها روسیه با مشکل در صادرات گاز خود مواجه شد بلکه اروپا نیز دچار بحران انرژی گردید. منابع جایگزین عرضه، به‌ویژه گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی) از ایالات متحده، بیش از ۴۰ درصد از این کسری را تأمین کرد. سهم گاز طبیعی روسیه از کل تقاضای بازار گاز اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۲۲ به کمتر از یک‌چهارم و در سال ۲۰۲۳، به تقریباً ۱۰ درصد کاهش یافت (IEA, 2024).



شکل ۲: سهم روسیه از بازار گاز اتحادیه اروپا (IEA, 2024)

در بخش صادرات گاز طبیعی روسیه ۱۷۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی خشک در سال ۲۰۲۲ صادر کرد که نسبت به ۲۵۲ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد کاهش داشت. صادرات گاز روسیه در سال ۲۰۲۳ حتی بیش از این مقدار کاهش یافت و به ۱۴۲ میلیارد مترمکعب رسید. صادرات گاز طبیعی روسیه از طریق خط لوله در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۲۱، ۴۸ درصد کاهش یافت اما صادرات ال.ان.جی حدود ۱۰ درصد افزایش یافت (GlobalEnergyPolicy, 2024b).



شکل ۳: سمت راست: تغییرات صادرات گاز روسیه از طریق خط لوله و مایع‌سازی پس از بحران اوکراین؛ سمت چپ: تغییرات کشورهای واردکننده گاز روسیه پس از بحران اوکراین (به تفکیک خط لوله و گاز مایع) (GlobalEnergyPolicy, 2024b)

در بخش نفت، حجم صادراتی روسیه تغییر چندانی نکرد؛ اما درآمدهای آن به دلیل اجرای سیاست سقف قیمتی بر این کشور کاهش یافت. بنابراین ضربه‌ای که به صادرات انرژی روسیه در حوزه گاز وارد شده است شدیدتر از صادرات نفت است؛ زیرا روسیه دو راهبرد را برای جبران کاهش قابل توجه صادرات گاز طبیعی خود بعد از جنگ اوکراین در پیش گرفته است. راهبرد اول گسترش صادرات گاز از طریق خط لوله به مصرف‌کنندگان غیر اتحادیه اروپا است. از همین رو خط لوله گاز طبیعی «قدرت سیبری ۱»^۱ رکورد روزانه عرضه گاز طبیعی به چین را در ژانویه ۲۰۲۴ شکست. گازپروم (بزرگ‌ترین شرکت گاز روسیه) گزارش داد که ۲۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را از طریق این خط لوله در سال ۲۰۲۳ به چین صادر کرده است که نسبت به صادرات ۱۵ میلیارد مترمکعب گاز در سال ۲۰۲۲، ۴۷ درصد افزایش داشته است. دومین راهبرد دولت روسیه توسعه زیرساخت‌های گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی) برای دستیابی به بازارهایی که از طریق خط لوله قابل دسترسی نیستند، است. این راهبرد با وجود محدودیت دسترسی این کشور به فناوری مایع‌سازی گاز و محدودیت در تأمین مالی در نتیجه تحریم‌ها، در اولویت قرار داده شده است (EIA, 2024).

به نظر می‌رسد با توجه به کاهش قابل توجه صادرات گاز روسیه (بیش از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب برابر با ۴۰ درصد از کل حجم صادرات گاز پیش از بحران اوکراین) و عدم توانایی این کشور برای جبران آن تاکنون، سیاست‌هایی که این کشور در پیش گرفته مؤثر نبوده است و بنابراین موقعیت این کشور در مذاکرات گازی با سایر کشورها متزلزل است.

۶. سابقه استفاده روسیه از انرژی به‌عنوان ابزار سیاسی علیه گرجستان، اوکراین و کشورهای بالتیک

روسیه طی دهه‌های اخیر به روش‌های گوناگون از انرژی، به‌ویژه صادرات گاز و نفت، به‌عنوان ابزار قدرت و اهرم فشار سیاسی علیه برخی کشورهای هم‌جوار مانند گرجستان، اوکراین و کشورهای بالتیک بهره برده است. این راهبرد شامل قطع یا کاهش عرضه، افزایش ناگهانی قیمت‌ها، شروط قراردادی سخت‌گیرانه و حتی توسل به عملیات خرابکارانه در زیرساخت‌های انرژی بوده است. برخی نمونه‌های شاخص عبارت‌اند از:

۱-۶. گرجستان

روسیه در سال ۲۰۰۳ به علت حمایت گرجستان از پناهندگان چچنی، اقدام به قطع صادرات نفت به این کشور کرد. همچنین در ژانویه ۲۰۰۶، انفجارهایی در خطوط انتقال اصلی گاز و برق گرجستان رخ داد که بسیاری آن را شکل دیگری از فشار روسیه برای وادارسازی دولت گرجستان به سیاست‌های مسکومی دانند. این اقدامات در حالی انجام شد که جمعیت گرجستان در سرمای زمستان با کمبود شدید انرژی روبه‌رو شد (Brown, 2019).

۲-۶. اوکراین

روسیه بارها طی مذاکرات و اختلافات سیاسی، جریان گاز به اوکراین را متوقف یا قیمت گاز را به‌شدت افزایش داده است. در سال ۲۰۱۴، پس از بحران کریمه، روسیه تخفیف گازی به اوکراین را لغو و قیمت گاز را تقریباً دو برابر کرد. همچنین در ژانویه ۲۰۰۹ به دلیل اختلافات بر سر قیمت و بدهی، گاز صادراتی به اوکراین و حتی اروپا برای مدتی قطع شد (Relations, 2018).

۳-۶. کشورهای بالتیک

روسیه با استفاده از ابزارهای تعرفه‌ای و قراردادی، به‌ویژه در قبال استونی و لتونی، این کشورها را تحت فشار گذاشت. در برخی موارد، با تحمیل قیمت‌های بالاتر و وابستگی شدید این کشورها به گاز روسیه، شرایطی ایجاد کرد تا اهداف ژئوپلیتیکی خود را پیش برد (CRS, 2009).

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که روسیه انرژی را در مقابل کشورهای هدف، نه فقط به‌عنوان کالایی اقتصادی، بلکه ابزاری برای پیشبرد منافع سیاسی و تحقق اهداف ژئوپلیتیکی خود به‌کاربرده است. این موضوع می‌بایست در واردات گاز از روسیه به‌عنوان یک مؤلفه ژئوپلیتیک مورد توجه قرار گیرد و از وابستگی در حوزه انرژی به این کشور پرهیز گردد.

۷. تحلیل واردات گاز از روسیه توسط ایران

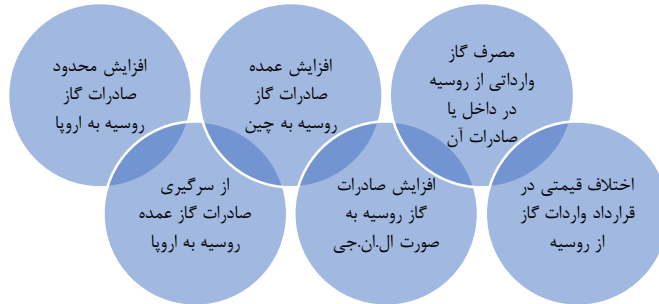
در ماه‌های اخیر موضوع واردات گاز از روسیه در سطوح بالای سیاسی و فنی در مذاکرات میان دو کشور مورد بحث قرار گرفته است. در جریان سفر یک‌روزه رئیس‌جمهور ایران به مسکو در آذر ۱۴۰۲، یکی از محوری‌ترین مسائل بحث شده، پیگیری واردات گاز از روسیه به ایران بود که با اعلام نظر مثبت رئیس‌جمهور روسیه همراه شد. همچنین مدیرعامل شرکت گازپروم در اردیبهشت سال ۱۴۰۳ در سفری که به تهران داشت و در نشست محرمانه با معاون اول رئیس‌جمهور مذاکره کرد. بنا بر اظهارات برخی رسانه‌ها در سفر بعدی میلر به تهران در تیر ۱۴۰۳ واردات روزانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز (حدود ۱۱۰ میلیارد مترمکعب سالانه) از روسیه به ایران میان وزیر نفت و مدیرعامل گازپروم امضا شده است (شانا، ۱۴۰۳). برخی از رسانه‌ها رقم کمتری، حدود ۵۵ میلیارد مترمکعب، را ذکر کرده‌اند. بنا بر آخرین مذاکرات میان دو کشور پیشنهاد شده است که ابتدا سالانه تا ۵ میلیارد مترمکعب گاز با زیرساخت‌های موجود و از مسیر آذربایجان وارد شود. در مرحله بعد نیز خط لوله جدیدی از همان مسیر احداث گردد. باین‌حال قراردادی تاکنون نهایی نشده است. برای تحلیل واردات گاز از روسیه می‌بایست ابتدا کنشگران موجود در این فرایند و منافع آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد:

ایران: دیپلماسی انرژی ایران تاکنون بیشتر مبتنی بر صادرات نفت بوده است. با توجه به توسعه تولید نفت شیل، امکان استفاده کارآمد از صادرات نفت به‌عنوان ابزار اصلی برای تحکیم روابط مطمئن با دیگر کشورها و گسترش مبادلات اقتصادی کاهش یافته است. اثرگذاری تحریم‌ها نمایش‌دهنده وضعیتی جدید در بازار انرژی است. تجارت نفت تا پیش از تحریم‌ها نوعی وابستگی متقابل سیاسی نامتقارن به سود کشور صادرکننده ایجاد می‌نمود که دیگر امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی برخی از پژوهش‌ها بهره‌گیری از ابزار تجارت گاز جهت ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به سود ایران را بسیار مؤثر می‌دانند. در اسناد بالادستی کشور (سیاست‌های کلی برنامه هفتم)

تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز مبادلات انرژی در منطقه نیز اشاره شده است. جهت تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی در منطقه تجارت گاز (واردات گاز از کشورهای ترکمنستان و روسیه) و صادرات آن به کشورهای منطقه می‌تواند موجب توسعه قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شود. بنابراین می‌توان گفت واردات گاز از روسیه برای جمهوری اسلامی ایران نوعی فرصت سیاسی است. نکته حائز اهمیت دیگر وجود ناترازی در کشور به‌ویژه در چند ماه از سال است. برخی از کارشناسان و مسئولان نیز به استفاده از این گاز جهت رفع ناترازی در کشور اشاره کرده‌اند (ایلنا، ۱۴۰۳).

روسیه: روسیه اغلب از انرژی به‌عنوان ابزاری ژئوپلیتیک برای ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن و افزایش قدرت در سیاست بین‌الملل استفاده می‌کند. تا پیش از بحران اوکراین روسیه از صادرات گاز خود به‌عنوان ابزار اثرگذاری بر اتحادیه اروپا استفاده می‌نمود که با آغاز بحران اوکراین و البته تحمیل هزینه بسیار بر اروپا این ابزار از بین رفت و صادرات گاز به اروپا به‌طور چشم‌گیری کاهش یافت. حال روسیه با مازاد گاز صادراتی به مقدار بسیار زیاد (در حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب) مواجه است. به همین علت روسیه موقعیت ضعیفی در مذاکرات گازی با کشورهای مختلف دارد؛ اما این بدین معنی نیست که از آن به‌عنوان ابزار و اهرم سیاسی استفاده نخواهد کرد. بنابراین کشوری که تصمیم به واردات گاز از روسیه دارد می‌بایست تبعات ایجاد وابستگی به روسیه را بپذیرد.

در وهله بعد می‌بایست پیشران‌های موجود احصا گردند. برای احصای پیشران‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. همچنین از نظرات ۹ کارشناس حوزه ژئوپلیتیک انرژی اعم از ۴ کارشناس نهادهای پژوهشی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت) و ۵ نفر از کارشناسان در نهادهای اجرایی مربوطه (شرکت ملی گاز، معاونت بین‌الملل وزارت نفت، نهاد ریاست جمهوری، امور انرژی سازمان برنامه‌بودجه و...) بهره‌برداری شده است. بدین مهم‌ترین پیشران‌ها به شرح ذیل است:



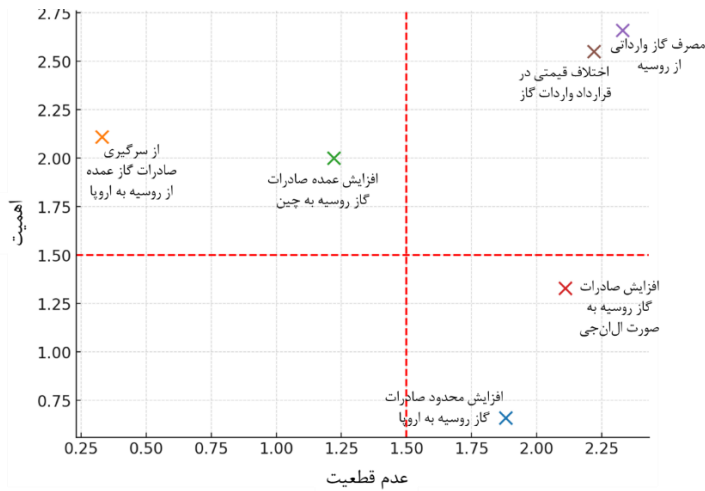
شکل ۴: پیشران‌های اصلی

در ادامه از کارشناسان خواسته شد با توجه به تحلیل کلان معادلات ژئوپلیتیک انرژی در جهان به پیشران‌های موجود از ۰ تا ۳ نمره‌دهی نمایند. سپس میانگین نمرات این کارشناسان به شرح ذیل محاسبه گردید:

جدول ۱: نمرات پیشران‌ها بر اساس نظرات ۹ کارشناس

عدم قطعیت	اهمیت	پیشران
۱/۸۸	۰/۶۶	افزایش محدود صادرات گاز روسیه به اروپا
۰/۳۳	۲/۱۱	از سرگیری صادرات گاز عمده از روسیه به اروپا
۱/۲۲	۲	افزایش عمده صادرات گاز روسیه به چین
۲/۱۱	۱/۳۳	افزایش صادرات گاز روسیه به صورت ال.ان.جی
۲/۳۳	۲/۶۶	مصرف گاز وارداتی از روسیه در داخل یا صادرات آن
۲/۲۲	۲/۵۵	اختلاف قیمتی در قرارداد واردات گاز از روسیه

سپس مطابق ذیل ماتریس اهمیت-قطعیت برای پیشران‌های مختلف ترسیم می‌گردد:



شکل ۵: ترسیم گرافیکی ماتریس عدم قطعیت-اهمیت برای پیشران‌ها بر اساس میانگین نمرات کارشناسان

از سرگیری صادرات گاز عمده به اروپا: با توجه به بحران اوکراین حتی در صورت توقف جنگ، احتمال از سرگیری روابط گازی عمده با روسیه توسط اروپا بسیار پایین است؛ زیرا اروپا دیگر حاضر به افزایش وابستگی به روسیه نیست. از طرفی آمریکا نیز به اروپا اجازه وابستگی به گاز روسیه را نخواهند داد زیرا صادرات ال.ان.جی آمریکا به اروپا را تهدید می‌کند. از همین رو روسیه، آمریکا و بریتانیا را عامل انفجار خط لوله نورد استریم ۲ اعلام کرد (GlobalEnergyPolicy, 2024a; Reuters, 2023). بنابراین، این پیشران اهمیت بسیاری دارد اما تحقق آن بسیار بعید است.

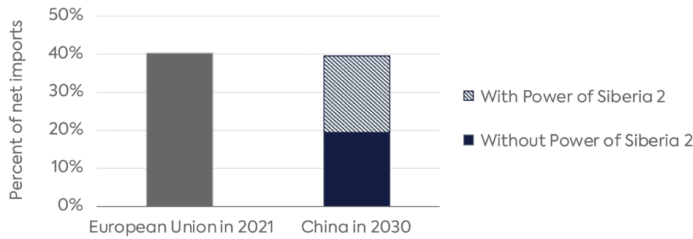
افزایش محدود صادرات گاز روسیه به اروپا: این پیشران به علت افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی در ماه‌های اخیر در خاورمیانه و همچنین وابستگی اروپا به تأمین ال‌ان‌جی از این منطقه، امکان تحقق بیشتری دارد. بنابراین عدم قطعیت این پیشران قابل توجه است. با این حال در این پیشران حجم افزایش واردات از روسیه توسط اروپا محدود خواهد بود و پیشران اهمیت پایین‌تری دارد.

افزایش صادرات گاز روسیه به چین: روابط تجاری چین و روسیه در حوزه انرژی قبل از حمله روسیه به اوکراین قابل توجه بود و از آن زمان بسیار بیشتر شده است.

مذاکرات برای گسترش این روابط و صادرات بیشتر گاز روسیه به چین در جریان است و احداث خط لوله قدرت سیبری ۲ مورد بحث قرار گرفته است. با این حال موانعی بر سر به نتیجه رسیدن این مذاکرات وجود دارد. اولاً با توجه به تنوع منابع تأمین گاز چین، پیش‌بینی می‌شود تا اواسط دهه ۲۰۳۰ میلادی افزایش قابل توجهی در نیاز این کشور به گاز رخ ندهد. دوماً احداث خط لوله جدید به علت طول بسیار زیاد (۳۵۵۰ کیلومتر) هزینه‌بر بوده و چین به دنبال قیمت پایین‌تر است که موجب اختلاف میان دو کشور شده است. سوماً تأمین گاز بیشتر از مسیرهای دیگر نیز ممکن است از جمله توسعه خط لوله D از ترکمنستان و واردات از این کشور و یا توسعه ترمینال‌های ال. ان. جی و واردات از قطر. چهارم و از همه مهم‌تر، پکن نگران خطرات وابستگی بیشتر به گاز روسیه است زیرا احداث خط لوله قدرت سیبری ۲ صادرات روسیه به چین را به ۹۸ میلیارد مترمکعب در سال افزایش می‌دهد و وابستگی واردات چین به گاز روسیه (از طریق خط لوله) تا سال ۲۰۳۰ به ۴۰ درصد می‌رسد. این موارد منجر به این شده است که چین برای افزایش واردات گاز از روسیه تعجیلی نداشته باشد و به آن را معلق نگه دارد. برخی کارشناسان معتقدند که تحقق این قرارداد تنها در صورت تشدید تنش‌های میان آمریکا و چین و تلاش چین برای کاهش وابستگی به ال. ان. جی آمریکا و استرالیا ممکن است.

افزون بر این، با صادرات ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز در سال به چین تنها نیمی از کاهش صادرات گاز روسیه به اتحادیه اروپا جبران خواهد شد و روسیه همچنین به دنبال قرارداد گازی با کشورهای دیگر مثل ایران خواهد بود اگرچه موضع بهتری خواهد یافت (Carnegi, 2023; GlobalEnergyPolicy, 2024a).

با توجه به این مقدمات امکان تحقق واردات گاز چین از روسیه بسیار پایین است اما ناممکن نیست. این پیشران حائز بیشترین درجه اهمیت نیست زیرا حتی در صورت تحقق آن روسیه نمی‌تواند خلأ دسترسی به بازار گاز اروپا را پر نماید. با این حال مهم است؛ زیرا توان چانه‌زنی این کشور با ایران بسیار افزایش خواهد یافت و ممکن است به علت اختلاف در قیمت قرارداد با ایران محقق نشود.



شکل ۶: سهم روسیه از بازار گاز چین (خط لوله) در صورت تحقق قرارداد جدید قدرت سیبری ۲ و مقایسه آن با وابستگی اروپا به گاز روسیه پیش از بحران اوکراین (GlobalEnergyPolicy, 2024a)

افزایش صادرات گاز روسیه به صورت ال.ان.جی: روسیه به دنبال افزایش ظرفیت تولید ال.ان.جی خود است تا بتواند تحریم‌های غرب و اروپا را دور بزند؛ چراکه صادرات به صورت ال.ان.جی از طریق کشتی صورت می‌گیرد و امکان پنهان‌سازی کشور مبدأ صادرات ال.ان.جی مانند کشور مبدأ صادرات نفت وجود دارد؛ اما روسیه برای افزایش ظرفیت تولید ال.ان.جی با مشکل فناوری روبه‌رو است و به علت تحریم‌های اروپا این کشور به شرکت‌های اروپایی نیز دسترسی ندارد. در صورت کاهش تحریم‌های روسیه و امکان همکاری بیشتر با شرکت‌های اروپایی افزایش تولید ال.ان.جی ممکن خواهد شد. این امر نشان‌دهنده آن است که این پیشران عدم قطعیت زیادی دارد. در سال‌های اخیر روسیه تنها با تولید کوچک مقیاس ظرفیت تولید ال.ان.جی را افزایش داده است که برای جبران حجم اضافی تولید گاز روسیه اهمیت چندانی ندارد. از همین رو این پیشران عدم قطعیت بالا و اهمیت پایین دارد.

مصرف گاز در شرایط تحقق واردات گاز از روسیه: در پیشران‌های قبلی شرایط عدم تحقق واردات گاز از روسیه بررسی شد؛ اما در صورت تحقق واردات گاز از روسیه، نحوه مصرف گاز در توسعه قدرت جمهوری اسلامی ایران بسیار اثرگذار است. با توجه به اظهارات مقامات مسئول در خصوص نحوه مصرف این گاز، به نظر می‌رسد هر سه گزینه مصرف آن در داخل، صادرات و یا ترکیبی از دو رویکرد امکان‌پذیر است. اگر حتی بخش کوچکی از گاز وارداتی (پایین‌تر از ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال) در داخل مصرف شود، کشور به واردات گاز از روسیه وابسته خواهد شد. ایجاد وابستگی نامتقارن در حوزه انرژی به یک کشور خارجی، به‌ویژه در شرایط ناترازی فزاینده، می‌تواند چالش‌های سیاسی در روابط خارجی کشور ایجاد نماید. در این صورت واردات گاز از روسیه عملاً به‌نوعی تهدید تبدیل خواهد شد.

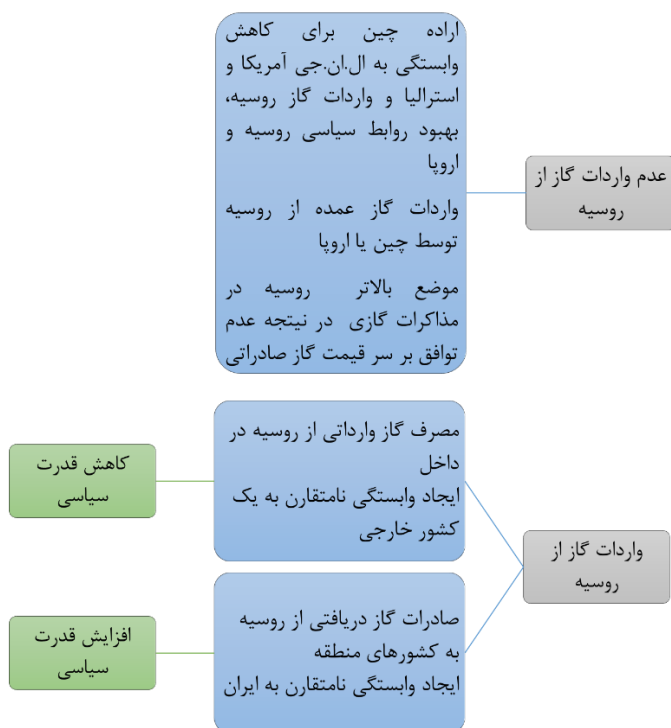
در مقابل، واردات گاز از روسیه و صادرات آن به کشورهای منطقه می‌تواند نوعی وابستگی نامتقارن به نفع جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید. این مبادلات می‌تواند تبدیل به اهرمی ژئوپلیتیک در محور مقاومت (به‌عنوان مثال عراق) برای کاهش وابستگی کشورهای محور مقاومت به سایر کشورها و نزدیکی بیشتر سیاست‌های آنان به یکدیگر گردد. در خصوص سایر کشورها مانند پاکستان، عمان و ترکیه نیز صادرات گاز به این کشورها می‌تواند موجب ایجاد بستری برای تقویت روابط سیاسی دو جانبه و افزایش قدرت ایران در این روابط گردد. این اتفاق می‌تواند گامی مهم جهت تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی منطقه و ایجاد تجارتی با تحریم‌پذیری پایین بر مبنای گاز در منطقه باشد. در این صورت واردات گاز از روسیه فرصتی کم‌نظیر است. این پیشران حائز عدم قطعیت و اهمیت بالا است.

اختلاف قیمتی در قرارداد واردات گاز از روسیه: یکی از موضوعات چالشی در مذاکرات با روسیه تعیین قیمت گاز بوده است. تاکنون روسیه در مذاکرات قیمت‌های بالاتری پیشنهاد نموده است که مبتنی بر این قیمت‌ها واردات از این کشور صرفه اقتصادی ندارد. با این حال مذاکرات در جریان است و چانه‌زنی میان دو طرف ادامه دارد. بدین ترتیب این پیشران اهمیت زیادی دارد. آنچه در تعیین قیمت گاز معادلات ژئوپلیتیک و دسترسی روسیه به بازارهای دیگر است. اگر روسیه جایگزینی جز ایران نداشته باشد مجبور به کاهش قیمت‌ها خواهد شد؛ اما اگر دسترسی به بازار اروپا و چین برای این کشور به صورت عمده فراهم گردد مذاکرات قیمتی به نتیجه نخواهد رسید. در نتیجه واردات گاز از این کشور محقق نخواهد شد. بنابراین این پیشران عدم قطعیت بالایی نیز دارد.

پس از این مرحله پیشران‌های با عدم قطعیت و اهمیت بالاتر (ربع اول محور مختصات) به‌عنوان پیشران‌های اصلی انتخاب خواهند شد. مبتنی بر این پیشران‌ها واردات گاز از روسیه در سه سناریو دسته‌بندی خواهد شد. در سناریو اول در دو حالت، واردات گاز از روسیه محقق نخواهد شد. در حالت اول اگر جنگ اوکراین و روسیه خاتمه یافته، روابط سیاسی روسیه و اروپا بهبود یابد و واردات گاز عمده از روسیه توسط اروپا از سرگیری شود؛ واردات گاز ایران از روسیه محقق نخواهد شد. در حالت دوم در صورت افزایش تنش میان چین و آمریکا و تلاش چین برای کاهش وابستگی به ال.ان.جی استرالیا و آمریکا، چین واردات گاز از روسیه (پروژه قدرت سیبری ۲) را آغاز خواهد نمود. در نتیجه تحقق حالت دوم که امکان‌پذیرتر است روسیه در مذاکرات

گازی با ایران موضع بالاتری خواهد داشت و محتمل است به علت اختلافات قیمتی این قرارداد به سرانجام نرسد.

در دو سناریوی دیگر واردات گاز از روسیه محقق خواهد شد. در سناریو دوم بخشی و یا عمده گاز وارداتی در مصارف داخلی مصرف خواهد شد. در این صورت وابستگی به گاز وارداتی تبعات سیاسی به علت وابستگی به یک کشور خارجی به همراه خواهد داشت. از آنجاکه روسیه نیز تاکنون از گاز خود به‌عنوان یک ابزار قدرت استفاده نموده است، وابستگی به گاز وارداتی از این کشور نوعی وابستگی نامتقارن به نفع روسیه ایجاد خواهد نمود و علاوه بر تضعیف کشور در روابط دوجانبه با روسیه، موجب تضعیف کشور در روابط با قدرت‌های بزرگ خواهد شد. در سناریو سوم واردات گاز از روسیه محقق خواهد شد و تمامی این گاز و یا بخش عمده آن به کشورهای منطقه صادر خواهد شد. این امر منجر به ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به سود ایران در روابط با کشورهای منطقه خواهد شد. صادرات گاز به این کشورها نوعی اهرم برای گسترش قدرت محور مقاومت در منطقه و توسعه روابط سیاسی عزتمندانه برای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. همچنین گامی اساسی در جهت تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی خاورمیانه و مصون‌سازی تجارت انرژی کشور از تحریم خواهد بود.



شکل ۷: سناریوهای مختلف تحقق واردات گاز از روسیه و تبعات آن بر قدرت ایران

۷. بررسی چالش‌های واردات گاز از روسیه

در ادامه چالش‌های ضمنی در قرارداد واردات گاز از روسیه و صادرات آن به کشورهای همسایه بررسی می‌گردد. مبتنی بر این چالش‌ها، پیشنهادهای سیاستی در جهت رفع این چالش‌ها ارائه می‌گردد.

۷-۱. چالش‌های زیست‌محیطی

➤ افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی و به تبع آن افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی: در نگاه اول، واردات گاز از روسیه و تقویت صادرات - مصرف آن در ایران و کشورهای همسایه موجب تشویق به ادامه مصرف سوخت‌های فسیلی و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌شود. این مسئله می‌تواند

اجرای تعهدات بین‌المللی درباره کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را به چالش بکشد؛

- با این حال، با بررسی عمیق‌تر سبد مصرف انرژی کشورهای همسایه (به‌عنوان مثال عراق و عربستان سعودی)، می‌توان دریافت که در این کشورها از نفت خام و نفت کوره به‌عنوان سوخت نیروگاهی در حجم بالا استفاده می‌گردد. این مسئله منجر به آلودگی زیست‌محیطی شدید در این کشورها شده است. بنابراین جایگزینی گاز با نفت خام و نفت کوره در این کشورها می‌تواند به کاهش آلودگی زیست‌محیطی در منطقه خاورمیانه کمک شایانی نماید. لازم به ذکر است که ایران به‌صورت رسمی عضو توافقنامه آب و هوایی پاریس نشده است و در نتیجه تعهد حقوقی الزام‌آوری برای دولت ایران ایجاد نشده است.
- خطرات زیست‌محیطی ناشی از احداث خطوط انتقال: احداث خطوط انتقال جدید از روسیه به ایران، به‌ویژه در بخش‌های حساس زیست‌محیطی (نظیر تالاب‌ها، جنگل‌ها یا مناطق حفاظت شده)، می‌تواند منجر به تخریب اکوسیستم و آسیب به زیست‌بوم‌های ارزشمند شود.

۲-۷. چالش‌های حقوقی

- ابهام در قراردادهای بین‌المللی: پیچیدگی‌های مربوط به تدوین قراردادهای خرید و انتقال گاز میان ایران و روسیه، به‌ویژه در زمینه حقوق انتقال، تعرفه‌ها، حل اختلاف و مسائل داور بین‌المللی، می‌تواند مشکلات حقوقی متعددی ایجاد کند. یکی از موارد مهم در متن قراردادهای گازی بند مربوط به فورس ماژور (Force majeure) است که به دلیل وقوع یک حادثه غیرمنتظره و خارج از کنترل طرفین قرارداد، اجرای تعهدات قراردادی غیرممکن یا به‌شدت دشوار می‌شود. این حادثه می‌تواند طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان یا ناشی از عوامل انسانی مانند جنگ و تحریم باشد. با توجه به اینکه طبق توافق اولیه مقرر شده است انتقال گاز از مسیر کشور آذربایجان و با توجه به تنش‌های ژئوپلیتیکی ایران و روسیه با این کشور، می‌بایست این موضوع به‌طور خاص در بند فورس ماژور لحاظ گردد.
- ریسک تحریم‌ها و مسائل بانکی: به دلیل وضعیت تحریمی ایران و روسیه، اجرای قراردادهای گازی با چالش‌های حقوقی بین‌المللی (نظیر محدودیت‌های

انتقال پول، نقل و انتقال فناوری، و محدودیت مشارکت شرکت‌های ثالث) روبه‌رو است.

۳-۷. چالش‌های اجرایی

- تعیین قیمت در قرارداد: یکی از موضوعات چالشی در مذاکرات با روسیه تعیین قیمت گاز در قرارداد با این کشور است؛ به نحوی که صادرات مجدد گاز توسط ایران به کشورهای منطقه سودآور گردد. قیمت گاز صادراتی ایران حدود ۲۷ تا ۳۰ سنت در هر مترمکعب است. و هزینه انتقال گاز به‌طور معمول حدود ۳ سنت در هر مترمکعب است. بنابراین قیمت گاز دریافتی از روسیه می‌بایست کمتر از ۲۴ سنت در هر مترمکعب باشد و تا این قرارداد به لحاظ اقتصادی منطقی گردد. لازم به ذکر است با توجه به سود سیاسی حاصل از این قرارداد می‌توان تا حدی در سود اقتصادی انعطاف به خرج داد؛ اگرچه تعیین قیمت نمی‌تواند به نحوی انجام گیرد که موجب ضرر اقتصادی شود.
- تأمین مالی احداث خط لوله: هزینه احداث خط لوله برای هر ۱۰۰۰ کیلومتر، دو میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. مطابق روند مرسوم در قراردادهای گازی، هزینه احداث خط لوله در هر کشور بر عهده خود کشور است. در کشور ثالث نیز با توجه به نزدیکی نسبی دو کشور ایران و روسیه، طول خط لوله عبوری از آذربایجان حدود دویست کیلومتر تخمین زده می‌شود. بنابراین هزینه احداث خط لوله در کشور آذربایجان حدوداً ۴۰۰ میلیون دلار است. این رقم در مقایسه با مبلغ کل قرارداد (حدود ۱۱ میلیارد دلار در هر سال) مبلغ ناچیزی است. با این حال این موضوع می‌بایست در توافق با روسیه مدنظر قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

موضوع دیپلماسی انرژی ارتباط نزدیکی با سیاست خارجی و امنیت ملی کشورها دارد. نفت و گاز، به دلیل نقش حیاتی در تأمین نیازهای اساسی به‌عنوان کالایی استراتژیک در فضای بین‌المللی شناخته می‌شوند. بر اساس نظریه کوهن و نای در صورت وابستگی متقابل نامتقارن دو کشور به یکدیگر، برای شریک کمتر وابسته نوعی اهرم سیاسی نسبت به شریک وابسته‌تر ایجاد شده و توانایی اعمال قدرت می‌یابد. در دنیای واقعی نیز کشورهای مختلف مانند روسیه و آمریکا از انرژی به‌عنوان اهرم در سیاست خارجی

در قالب «کمک به متحدان» و «مجازات دشمنان» استفاده می‌کنند. تا پیش از تحریم‌ها به علت عدم امکان جایگزینی نفت ایران، فروش نفت موجب ایجاد وابستگی نامتقارن برای ایران در روابط با کشور خریدار شده و در جهت افزایش قدرت مؤثر واقع می‌شد. انقلاب شیل در آمریکا موجب کاهش حضور ایران در بازار جهانی نفت و اثرپذیری تحریم‌ها شد. بدین ترتیب نفت ایران دیگر جایگاه غیرقابل حذف در معادلات جهانی ندارد.

در مقابل، ساختار بازار گاز مبتنی بر قراردادهای بلندمدت است و باعث ایجاد پیوندهای اقتصادی-سیاسی بلندمدت بین دو کشور شده و امکان گسست آن‌ها را کاهش می‌دهد. در نتیجه ایجاد وابستگی به گاز صادراتی از ایران، احتمال عدم تبعیت کشور مقابل از تحریم‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین تجارت گاز می‌تواند دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران را از تحریم مصون نماید، تبدیل به اهرم ژئوپلیتیک گردد و ایران را به مرکز مبادلات انرژی (مطابق سیاست‌های کلی برنامه هفتم) تبدیل نماید. در این راستا واردات گاز از روسیه که اخیراً در مذاکرات میان دو کشور طرح شده است می‌تواند فرصتی برای تحقق این مهم باشد.

از طرفی پس از آغاز بحران اوکراین تحریم‌های غرب علیه روسیه موجب کاهش بیش از ۱۰۰ میلیارد مترمکعبی (۴۰ درصدی) صادرات گاز این کشور شد. روسیه تاکنون موفق به یافتن مقاصد جدید صادراتی نشده است. تحقق واردات گاز از روسیه و چگونگی تأثیرات سیاسی آن در سه سناریو قابل بررسی است:

- ❖ سناریوی اول: صادرات گاز روسیه به اروپا تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد زیرا اروپا دیگر حاضر به وابستگی به روسیه نیست. در مذاکرات با چین نیز این کشور تمایل چندانی به واردات از خود نشان نداده است زیرا هزینه مالی احداث خط لوله ۳۵۵۰ کیلومتری بالا بوده و چین نگران وابستگی بیش از اندازه به گاز روسیه است. تنها در شرایط افزایش شدید تنش میان چین و آمریکا و اراده چین برای کاهش وابستگی به ال.ان.جی آمریکا و استرالیا، ممکن است چین از روسیه گاز بیشتری وارد نماید. این امر ممکن است موجب عدم توافق بر سر قیمت‌های پایین‌تر با ایران گردد.
- ❖ در دو سناریوی بعدی واردات گاز ایران از روسیه پیش‌فرض در نظر گرفته می‌شود. در این صورت نحوه مصرف گاز در توسعه قدرت جمهوری اسلامی ایران بسیار مؤثر است.

❖ سناریوی دوم: مصرف حتی بخش کوچکی از گاز وارداتی در داخل، موجب وابستگی به گاز وارداتی شده و تبعات سیاسی به علت وابستگی به یک کشور خارجی به همراه خواهد داشت. روسیه نیز سابقه استفاده از تجارت گاز به عنوان اهرم فشار سیاسی در رابطه با کشورهای مختلف را در کارنامه خود دارد. بدین ترتیب در این سناریو قدرت سیاسی کشور در روابط دوجانبه با روسیه کاهش خواهد یافت. در گام بعد جایگاه کشور در نظام بین‌الملل نیز تضعیف خواهد شد.

❖ سناریوی سوم: تمامی این گاز و یا بخش عمده آن به کشورهای منطقه صادر خواهد شد. این امر منجر به ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به سود ایران در روابط با کشورهای منطقه شده و تبدیل به نوعی اهرم برای گسترش قدرت در منطقه و توسعه روابط سیاسی عزتمندانه برای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. همچنین گامی اساسی جهت تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی خاورمیانه است و موجب مصونیت تجارت انرژی کشور از تحریم‌ها خواهد شد.

در نهایت پیشنهادهایی در جهت انتخاب مسیر صحیح و سیاست‌گذاری مناسب در موضوع واردات گاز از روسیه (با توجه به نیاز این کشور به بازار صادراتی جدید) ارائه می‌گردد؛

✓ می‌بایست از مصرف بی‌رویه گاز در داخل به شدت ممانعت نمود زیرا باعث وابستگی به منابع وارداتی می‌گردد. همچنین به دلیل قیمت پایین گاز مصرفی در کشور، تأمین منابع ارزی برای پرداخت هزینه این گاز نیز بسیار سخت خواهد بود. استفاده از این گاز برای رفع ناترازی در نهایت به حل پایدار این معضل کمکی نخواهد نمود. برای حل این مشکل به صورت اصولی می‌بایست به توسعه بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور و محدودسازی صنایع انرژی بر با ارزش کاسته روی آورد؛ پتروشیمی‌های خوراک‌گازی نمونه‌ای از صنایعی هستند که گاز ارزان را دریافت و آن را تبدیل به محصول با ارزش صادراتی پایین‌تر (متانول) می‌نمایند. صادرات گاز به صورت خام ارزش افزوده به مراتب بیشتر از لحاظ اقتصادی و سیاسی برای کشور دارد.

✓ لازم است گاز وارداتی به صورت خرید ۱۰۰ درصدی با اولویت صادرات به مقاصد کشورهای همسایه مد نظر قرار گیرد. بنابر قراردادهای موجود میان ایران و عراق و ایران و ترکیه در حال حاضر امکان افزایش حجم صادرات گاز

ایران تا ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال وجود دارد و زیرساخت‌های کافی (خطوط لوله) نیز موجود است. همچنین با توجه به نیاز شدید عراق به گاز برای تولید برق نیروگاهی می‌توان در قرارداد جدید با این کشور، صادرات گاز سالانه را از ۸ میلیارد مترمکعب تا ۴۰ میلیارد مترمکعب افزایش داد. این حجم صادرات گاز با تهاتر با نفت کوره عراق بدون نیاز به تبادلات مالی تحریمی (که از سال ۱۴۰۲ آغاز شده است) و با حداکثرسازی حجم قابل انتقال دو خط لوله میان دو کشور قابل انجام است. در گام بعدی می‌توان با افزایش حجم واردات گاز از روسیه با استفاده از ظرفیت سیاسی روسیه در چانه‌زنی با کشورهای منطقه بازارهای جدیدی مانند پاکستان را فعال نمود و بخشی از گاز روسیه را به این کشور به صورت سوپ صادر نمود. لازم به ذکر است در صورت صادرات گاز روسیه، پرداخت هزینه گاز با توجه به کسب منابع ارزی از صادرات گاز بسیار ساده‌تر خواهد بود.

- ✓ لازم است پیش‌بینی اثرات زیست‌محیطی خطوط انتقال گاز و اتخاذ تدابیر الزام‌آور برای مدیریت مخاطرات محیط زیستی به‌عنوان بخشی از قرارداد گازی با روسیه لحاظ شود.
- ✓ چهارچوب حقوقی قرار می‌بایست به صورت شفاف و مستحکم تدوین گردد. همچنین مکانیسم‌های حل اختلاف مؤثر در قرارداد لحاظ گردد تا ریسک اختلافات حقوقی و داوری بین‌المللی کاهش یابد.
- ✓ مسیر انتقال به گاز باید به نحوی طراحی گردد که میزان آسیب‌پذیری بعدی از روابط سیاسی ایران و روسیه با کشور ثالث (میزبان خط) محدود گردد. پیشنهاد می‌گردد روسیه متعهد به تحویل گاز در مرز ایران گردیده و این موضوع در قرار نهایی ذکر شود. بدین ترتیب ریسک تنش‌های ژئوپلیتیک در روابط با آذربایجان متوجه روسیه خواهد شد. در غیر این صورت می‌توان مسیر ترکمنستان برای انتقال گاز را نیز مدنظر قرارداد.
- ✓ می‌بایست راهکارهایی برای نقل و انتقالات مالی و انتقال فناوری در شرایط تحریم در قرارداد تعبیه گردد. همچنین استفاده از ابزارهای حقوقی بین‌المللی برای مصون‌سازی پروژه‌های گازی از اثرات منفی تحریم‌ها نیز مدنظر قرار گیرد.
- ✓ در مورد توافق روی موضوع قیمت گاز، لازم است مبنا کمترین قیمت قراردادهای گازی منعقد شده میان روسیه و سایر مشتریان قرار گیرد. بدین ترتیب

قیمت گاز وارداتی می‌بایست در بازه حدود ۱۸-۲۲ سنت در هر مترمکعب تعیین گردد.

✓ در مذاکرات دوجانبه در صورت امکان، تأمین مالی احداث خط لوله در کشور ثالث (آذربایجان و یا ترکمنستان) بر عهده روسیه گذاشته شود. در صورت عدم پذیرش روسیه، احداث خط لوله می‌تواند به صورت ۵۰-۵۰ توسط ایران و روسیه تأمین مالی گردد.

✓ قرارداد به صورت بلندمدت (حداقل ۲۵ ساله) و با انتقال از مسیر خط لوله منعقد گردد.

References

- Akkas, E., & Altiparmak, S. O. (2022). The reshaping oil and arms trade between the United States and GCC: Is the theory of complex interdependence still prevailing? *Journal of Asian and African Studies*, 57(7), 1430–1445. <https://doi.org/10.1177/00219096211058880>
- Alekseev, A. N., Bogoviz, A. V., Goncharenko, L. P., & Sybachin, S. A. (2019). A critical review of Russia's energy strategy in the period until 2035. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 9(6), 95–102. <https://doi.org/10.32479/ijeep.8263>
- Ahani, M., Mousakhani, M., & Afshar-Kazemi, M. (2018). Futures studies of good governance in Iran: A scenario-writing approach. *Iranian Journal of Management Sciences*, 13(51), 106–175. [In Persian]
- Alavi-Tabar, A. (2010). Good governance and rules of jurisprudence. *National Conference on Governance and Desirable Government in Iran 1404*. [In Persian]
- Behrami, M. B., Akbarzadeh, F., Shahabi, R., & Jalalpour, Sh. (2020). The strategic role of transparency of representatives' votes in the efficiency of the Islamic Consultative Assembly from the perspective of good governance. *Rahbord Scientific Quarterly*, 29(2), 87–111. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1399.29.2.4.4> [In Persian]
- BIEE (British Institute of Energy Economics). (2022). Statistical review of world energy. <https://www.biee.org/bp-statistical-review-of-world-energy-2022-71st-edition>
- Bovan, A., Vučenović, T., & Peric, N. (2020). Negotiating energy diplomacy and its relationship with foreign policy and national security. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 10(2), 1–6. <https://doi.org/10.32479/ijeep.8754>
- Brown, S. (2019). Russia's use of the energy weapon: How Russia manipulates Ukraine, Georgia, and the Baltic States. *Scholarly Horizons: University of Minnesota, Morris Undergraduate Journal*, 6(1), 1.
- Carnegie Endowment for International Peace. (2023). Can China compensate Russia's losses on the European gas market? <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/05/can-china-compensate-russias-losses-on-the-european-gas-market?lang=en>
- CRS (Congressional Research Service). (2009). Russian energy policy toward neighboring countries. <https://sgp.fas.org/crs/row/RL34261.pdf>
- CSIS (Center for Strategic and International Studies). (2024). Geopolitical significance of U.S. LNG. <https://www.csis.org/analysis/geopolitical-significance-us-lng>
- EIA (U.S. Energy Information Administration). (2024). Russia analysis. <https://www.eia.gov/international/analysis/country/rus>
- Farrell, H., & Newman, A. L. (2019). Weaponized interdependence: How global economic networks shape state coercion. *International Security*, 44(1), 42–79.

- Global Energy Policy. (2024a). The future of the Power of Siberia 2 pipeline. <https://www.energypolicy.columbia.edu/publications/the-future-of-the-power-of-siberia-2-pipeline/>
- Global Energy Policy. (2024b). Russia's gas export strategy: Adapting to the new reality. <https://www.energypolicy.columbia.edu/publications/russias-gas-export-strategy-adapting-to-the-new-reality/>
- Harsem, Ø., & Claes, D. H. (2013). The interdependence of European–Russian energy relations. *Energy Policy*, 59, 784–791. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2013.04.035>
- ILNA. (2024). The justification for importing gas from Russia. [In Persian]
- IEA (International Energy Agency). (2024). Russia's war on Ukraine: Analysing the impacts of Russia's invasion of Ukraine on energy markets and energy security. <https://www.iea.org/topics/russias-war-on-ukraine>
- Ismailpour, A., & Arab, B. M. R. (2022). Meta-analysis of scenario writing method in futures research. <https://doi.org/20.1001.1.27173674.1401.3.2.4.4> [In Persian]
- Jalalian, A. (2017). The efficiency of the Islamic Consultative Assembly and strategies for its promotion in domestic law. *Rahbord Scientific Quarterly*, 26(1), 271–305. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1396.26.1.10.7> [In Persian]
- Karimi-Pour, —. (2022). Regional approach to energy diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the thirteenth government. *Strategic Studies of Public Policy*, 12(44), 40–66. <https://doi.org/10.22034/sspp.2022.699880> [In Persian]
- Koulaei, —., & Zangeneh, —. (2024). The impact of the Ukraine war on Iran–Russia relations. *Political and International Approaches*, 15(2), 35–56. <https://doi.org/10.48308/piaj.2024.233313.1442> [In Persian]
- Krickovic, A. (2015). When interdependence produces conflict: EU–Russia energy relations as a security dilemma. *Contemporary Security Policy*, 36(1), 3–26. <https://doi.org/10.1080/13523260.2015.1012350>
- LaBelle, M. C. (2023). Energy as a weapon of war: Lessons from 50 years of energy interdependence. *Global Policy*, 14(3), 531–547. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13235>
- Mirfakharai, —. (2023). Consequences of the Ukraine war (2022) on the inter-regional geoeconomic position of the Islamic Republic of Iran: A case study of energy and transit. *Rahbord Scientific Quarterly*, 32(109), 637–664. <https://doi.org/10.22034/rahbord.2024.436644.1639> [In Persian]
- Moshirzadeh, H. (2005). Transformation in international relations theories. *Samt Publications*, 65–67. [In Persian]
- Newnham, R. (2011). Oil, carrots, and sticks: Russia's energy resources as a foreign policy tool. *Journal of Eurasian Studies*, 2(2), 134–143. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2011.03.004>
- Noorbakhsh, A. (2023). Strategic issues of the energy sector in the Seventh Development Plan: Turning Iran into a regional energy hub

- with a focus on gas trade, 13–16. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1782459> [In Persian]
- Pedram, A. (2017). Lessons and experiences of futures studies. *Strategic Horizon*, 55–65. [In Persian]
 - Relations, P. D. f. E. (2018). Energy as a tool of foreign policy of authoritarian states, in particular Russia. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/603868/EXPO_STU\(2018\)603868_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/603868/EXPO_STU(2018)603868_EN.pdf)
 - Reuters. (2023). Kremlin eyes object found next to Nord Stream pipeline. <https://www.reuters.com/world/europe/kremlin-important-identify-object-found-next-nord-stream-pipeline-2023-03-24/>
 - Sadeghi, S. A. (2015). China's energy security and the geoeconomics of Iran's energy. *Quarterly of International Political Research*, 22, 123–185. [In Persian]
 - Salehi, —., & Eyasi, —. (2013). Iran, Russia, and Qatar's energy diplomacy (with a case study on gas). *Political and International Studies Research*, 17(5), 129–151. [In Persian]
 - Shana News Agency. (2024). Russia's gas transfer mega-project: An effort to turn Iran into a gas hub. [In Persian]
 - Shirkhani, M., Pirouz, B., & Gholamnia, H. (2023). The emergence of cryptocurrencies and power relations in the international monetary–financial system. *Foreign Relations*, 15(57), 21–28. <https://doi.org/10.22034/fr.2023.366651.1317> [In Persian]
 - Torabi-Fard, M. R. A., & Mahdi, —. (2022). Iran's strategic initiative: New positioning and redefining Iran's role in the global economy: What does neutralizing sanctions mean? *Majlis Research Center Report*, 13–15. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1775451> [In Persian]
 - Vaez, M., & Monfared, S. (2013). Energy and energy security as a tool for changing international political and security calculations: A case study of U.S. and U.K. energy security strategy. *Rahbord Scientific Quarterly*, 22(68), 63–84. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1392.22.3.3.6> [In Persian]
 - Yergin, D. (2021). The new map: Energy, climate, and the clash of nations. Parseh Publishing, 220–230. [In Persian]